

: جانبانی، اسماعیل، ۱۳۶۵ -

: اجتهاد شک در احکام و قواعد فقهی و شرع / مولف اسماعیل جانبانی.

: تهران، اسماعیل جانبانی، ۱۳۹۶.

: ۱۸۳ ص.

: ۸-۷۸۶۹-۰۴-۰۵-۶۷۸

: فیا

: فقه --- قواعد

Islamic law -- *Formulae

: اجتهاد

Ijtihad (Islamic law

: نماز --- شکایات

Salat-- *Doubts

: فتاواهای شیعه --- قرن ۱۴ --- نقد و تفسیر

Fatwas, Shiites --- 20th century --- Criticism and interpretation

: قانون مدنی --- ایران

Civil law -- Iran

BP ۱۶۹/۵۶

: الف ۲۹۷/۳۲۴

: ۴۷۲۴۸۳۱

اجتهاد

سک در احکام و قواعد فقهی و شرع

مؤلف: اسماعیل جانبانی

ناشر: نشر مولف

لیتوگرافی، چاپ و صفحه‌آرایی: خانه چاپ

شابک: ۸-۷۸۶۹-۰۴-۰۵-۶۷۸

تیراژ: ۱۰۰۰

نشانی: خیابان نواب، خیابان محبوب مجاز شرقی، کوچه فرشته، پلاک ۴، طبقه ۴

Email: janjani.es65@yahoo.com

تلفن: ۰۹۱۸۶۳۱۵۹۳۰ - ۰۹۰۱۲۴۳۱۳۳۹

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده	۱
مقدمه	۳

فصل اول: کلیات کتاب

بحث اول: بیان مسئله	۵
بحث دوم: تاریخچه موضوع	۶
بحث سوم: ضرورت، اهداف و اهمیت موضوع کتاب	۶
بحث چهارم: پیشینه کتاب	۶
بحث پنجم: روش تحقیق	۷
بحث ششم: مروری بر تعاریف گذشته	۸
بحث هفتم: سربلای اصطلاحات و تعاریف	۸

فصل دوم: مدارک و مستندات قانونی

بحث اول: اجماع	۱۳
بحث دوم: روایات	۱۵
گفتار اول: وجه دلالت عدم اعتنای فرد کثیر الشک به شک خود	۱۸
گفتار دوم: فرق بین قاعده لایک کثیر الشک با قاعده فراق و حلول	۲۰
گفتار سوم: مرجع تشخیص فرد کثیر الشک	۲۱
گفتار چهارم: مراد از کثرت شک	۲۵
گفتار پنجم: حکم کثیر الشک در آلیان به نماز	۲۸
گفتار ششم: شک کثیر الشک از طرف شیطان	۳۱
گفتار هفتم: عدم جواز اعتنا کثیر الشک به شک خود	۳۲

فصل سوم: بیان مفاد و مفهوم قاعده

بحث اول: تفاوت حکم کثیر السهو و کثیر النسیان	۳۶
گفتار اول: تمایز حکم کثیر السهو با حکم مستی در صحیح "لانما"	۳۸
گفتار دوم: مفهوم عدم اعتنا کثیر الشک به شک خود	۴۱
گفتار سوم: علت تعیین بودن حکم کثیر الشک	۴۴

۴۶	گفتار چهارم: رابطه قاعده غش و مخرج با حکم کثیر الشک
۴۸	گفتار پنجم: چگونگی تعیین حرج و نرمی و شخصی با حکم کثیر الشک
۵۱	مبحث دوم: عدم اختصاص حکم کثیر الشک به نماز
۵۲	گفتار اول: شرایط اجماع برای حکیت قاعده
۵۴	گفتار دوم: چگونگی اجرای حکم کثیر الشک در عقدهات داخلی و خارجی نماز
۵۷	گفتار سوم: چگونگی اجرای حکم کثیر الشک در برخی افعال نماز
۶۳	گفتار چهارم: مراد از کثیر الشک و کثیر الشک در مضامین عرفی
۶۷	مبحث سوم: هر آنکس که در حکم فرد کثیر الشک
۷۱	گفتار اول: حکم کثیر الشک در نمازهای پنجگانه بطور متوالی و غیر متوالی
۷۳	گفتار دوم: مراد از تحدید کثیر الشک در روایت صدوق
۷۶	گفتار سوم: حکم کثیر الشک در اثر جانهای نفسانی
۷۸	گفتار چهارم: حکم کثیر الشک در رکعات ۵ و ۵ نماز
۸۳	مبحث چهارم: عدم الحاق حکم کثیر الغنن به کثیر الشک
۸۷	گفتار اول: کثیر الغنن در افعال نماز
۸۸	گفتار دوم: حکم کثیر الغنن در افعال وجود نماز
۹۱	گفتار سوم: حکم کثیر الشک در رکعات و رکعات نماز

فصل چهارم: مباحث تطبیقی قاعده و بیان نسبت این قاعده با ادله اولیه

۹۶	مبحث اول: بیان نسبت قاعده با ادله اولیه
۹۶	گفتار اول: حاکم بودن قاعده با ادله اولیه
۱۰۱	گفتار دوم: چگونگی حکومت ادله عدم اختصاص کثیر الشک بر ادله اولیه
۱۰۲	مبحث دوم: موارد تطبیق قاعده: شک در رکعات نماز
۱۰۵	گفتار اول: شک بین رکعات ۱ و ۲
۱۰۸	گفتار دوم: شک بین رکعات ۲ و ۳
۱۱۳	گفتار سوم: شک بین رکعات ۳ و ۴
۱۱۵	گفتار چهارم: شک بین رکعات ۴ و ۵
۱۱۷	مبحث سوم: شک در افعال نماز
۱۱۷	گفتار اول: کثیر الشک در انجام تکبیر و الاحرام
۱۱۹	گفتار دوم: کثیر الشک در قرائت حمد و سوره
۱۲۱	گفتار سوم: کثیر الشک در آیتان به رکوع و سجود
۱۲۵	گفتار چهارم: شک کثیر الشک در شرایط داخلی و خارجی نماز
۱۲۸	مبحث سوم: دو تنبیه بر این قاعده
۱۲۸	گفتار اول: ظاهری بودن حکم عدم اعتنا به شک در کثیر الشک
۱۳۲	گفتار دوم: شک در صورت عدم ذکر حکم آن

فصل پنجم: کاربرد قاعده در متون فقهی

۱۳۷	مبحث اول: وضو
۱۴۹	مبحث دوم: غسل
۱۶۰	مبحث سوم: طواف

فصل ششم: نتیجه گیری و پیشنهادها

۱۶۵	الف) نتیجه گیری
۱۶۸	فهرست منابع
۱۶۸	الف) منابع فارسی
۱۶۹	ب) منابع عربی

چکیده

قواعد فقهی، قواعدی هستند که به وسیله ی آن ها احکام الهی استنباط می شوند و میان مقلد و مجتهد، مشترک است، یعنی هر دو می توانند از این قواعد استفاده کنند. قاعده ی فقهی (شک لکثیر الشک) هم یکی از این قواعد که از کتاب القواعد الفقهیه از سید حسن موسوی بجنوردی، مورد بازخوانی و تحلیل فقهی قرار گرفته است.

این کتاب مشتمل بر شش فصل است که در هر فصل به سوال های مندرج در قسمت پرسش های کتاب، پرداخته است.

ای اثبات این قاعده، فقها به مدارکی استناد کرده اند که از جمله آنها، اجماع جمیع فقهاست که بر این قاعده اتفاق نظر دارند، و یکی هم روایاتی که در این خصوص وارد شده، دال بر عدم اعتنا شک است. الشک است. مرجع تشخیص فرد کثیر الشک، این است که اگر مردی در هر نمازش سه مرتبه شک کند یا این که در هر سه نماز پشت سر هم شک کند، وی کثیر الشک شناخته می شود.

حکم کثیر الشک این است که باید به شک خود اعتنا کند، بر خی فقها بر این عقیده اند که این حکم تخییری است. مرد می تواند اعتنا نکند یا نکند ولی نظر مصنف بر این است که این حکم تعیینی است، یعنی وقتی که می گوید "هر نماز را ادامه بده" یعنی این حکم دلالت بر وجود دارد زیرا امر به آن شده است پس این حکم تعیین شده و تعیینی است.

این قاعده علاوه بر نماز بر سایر عبادات هم وارد می شود و این به خاطر تنفی عسر و حرج است، زیرا بر اثر کثرت شک در انجام عبادات، فرد دچار عسر و حرج می شود که به اعمال این قاعده، مشکل منتفی است. و این قاعده بر ادله اولیه، که مفاد این است، بر حکم شک مرتبط می شوند، حکومت دارد یعنی قاعده ناظر و حاکم بر ادله اولیه است، و این را توضیح بر آنها حکومت دارد.

از موارد تطبیق بر این قاعده این است این قاعده در رکعات نماز در افعال نماز هم جاری می شود. اگر فردی در تعداد رکعات نماز، شک کند، و شک قبل از گذشتن از محل آن باشد، طبق مقتضای ادله اولیه، باید آنها را تدارک کند و به جای بیاورد، ولی طبق قاعده شک لکثیر الشک نباید به شک خود اعتنا کند. اگر فرد کثیر الشک در اجزای رکعی و غیر رکعی نماز شک کند

نباید به آن اعتنا کند، ولی اگر بعد از آن یادش آمد که رکنی را بجای نیاورده و اگر مشغول رکن بعدی نشده، باید رکن فراموش شده را بجای بیاورد ولی اگر به رکن بعدی مشغول شده باشد نمازش باطل است.

www.ketab.ir

می دانیم یکی از بخش هایی که در علم فقه ، مورد توجه قرار گرفته است ، بحث شک در عبادت است.

در واقع موضوع شک از چند بُعد ، قابل طرح و بررسی است . زیرا شک را بعنوان یک فرآیند روانی و رفتاری می توان، از نظر روان شناسی و اجتماعی مورد بحث قرار داد.

از نشانه های فرد کثیرالشک، وسواس بودن است، وسواس نشانه ی جهل است و آدم وسواس جاهل تلقی می شود و نباید به شک خود اعتنا کند و وظیفه دارد مانند افراد عادی ، در آنچه که در وسواس است، عمل کند. یعنی از هر چیزی که عموم مردم نجس می دانند ، اجتناب کند، نه ستر، این تفریط و بی مبالائی در انجام امور عبادی و غیرعبادی ، نشانه شک و تردید در هردی شدت پیدا می کند ، رعایت برخی از مسایل شرعی، مانند طهارت را از عهده فرد مبتلا به وسواس برداشته است و می گوید : با همان بدن یا لباسی که فکر می کند نجس است یا با همان وضو و غسلی که لباس می کند باطل است ، نماز بخواند هیچ اشکالی ندارد.